



The right to a fair trial without undue delay and the challenge of compensation for resulting damages in international criminal courts

ABSTRACT

The principles of fair trial, especially the right to a trial within a reasonable time and without undue delay, are considered to be among the most important guarantees of the rights of defendants in international human rights instruments and the international criminal justice system. Despite the explicit recognition of this right in international instruments, the practical practice of international criminal courts indicates the continuation of delays in the investigation of international crimes. This situation reflects the conflict between the accepted norms of fair trial and the actual performance of international criminal courts, which can challenge the legitimacy and efficiency of this system. Accordingly, the main issue of this research is to explain the reasons for the continuation of undue delays in international criminal proceedings, despite the recognition of this right, and to examine the possibility of compensating for the damage caused by it within the framework of existing documents and procedures. This research evaluates the dimensions of this conflict by using a descriptive-analytical method and by studying legal documents and judicial opinions. The findings of the study show that factors such as the inherent complexity of international crimes, institutional and administrative constraints of the courts, problems related to evidence collection, and shortcomings in the statutes are among the most important reasons for the delay in proceedings. Also, the mechanisms foreseen in the doctrine for compensating for damages caused by undue delay face serious challenges in implementation and effectiveness. Finally, the results indicate that the effective realization of the right to a trial without undue delay requires structural reforms, strengthening institutional capacities, and a review of compensation mechanisms in the international criminal justice system.

Keywords

The Right to Trial Without Undue Delay; International Criminal Courts; Compensation; Fair Trial; International Criminal Procedure

Cite this article:



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

حق دادرسی عادلانه بدون تأخیر ناروا و چالش جبران خسارت ناشی از آن در محاکم کیفری بین‌المللی

پریچهر قنبری^۱، حجت اله رشنوادی^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم انسانی، دانشکده فنی دختران ولی عصر، دانشگاه ملی مهارت، تهران،

ایران، رایانامه: Pa.Ghanbari@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران، رایانامه:

h.rashnavadi60@gmail.com

چکیده

اصول دادرسی عادلانه، به‌ویژه حق بر رسیدگی در مدت معقول و بدون تأخیر ناروا، از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق متهمان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نظام عدالت کیفری بین‌المللی به شمار می‌روند. با وجود شناسایی صریح این حق در اسناد بین‌المللی، رویه عملی محاکم کیفری بین‌المللی، حاکی از تداوم اطلاع دادرسی در رسیدگی به جرائم بین‌المللی است. این وضعیت بیانگر تضاد میان هنجارهای پذیرفته‌شده دادرسی عادلانه و عملکرد واقعی محاکم کیفری بین‌المللی است که می‌تواند مشروعیت و کارآمدی این نظام را با چالش مواجه سازد. بر این اساس، مسأله اصلی این پژوهش تبیین علل استمرار تأخیرهای ناروا در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، علی‌رغم شناسایی این حق، و بررسی امکان جبران خسارت ناشی از آن در چارچوب اسناد و رویه‌های موجود است. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه اسناد حقوقی و آرای قضایی، به ارزیابی ابعاد این تعارض می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر پیچیدگی ماهوی جرائم بین‌المللی، محدودیت‌های نهادی و اداری محاکم، مشکلات مربوط به جمع‌آوری ادله، و نیز کاستی‌های موجود در اساسنامه‌ها، از مهم‌ترین دلایل اطلاع دادرسی به شمار می‌روند. همچنین، سازوکارهای پیش‌بینی‌شده در دکتین، برای جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا، با چالش‌های جدی در اجرا و اثربخشی مواجه هستند. در نهایت، نتایج حاکی از آن است که تحقق مؤثر حق بر دادرسی بدون تأخیر ناروا، مستلزم اصلاحات ساختاری، تقویت ظرفیت‌های نهادی و بازنگری در سازوکارهای جبران خسارت در نظام عدالت کیفری بین‌المللی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ:

کلیدواژه‌ها

حق بر محاکمه بدون تأخیر ناروا، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، جبران خسارت، دادرسی عادلانه، رویه کیفری بین‌المللی

استاد: قنبری، پریچهر؛ رشنوادی، حجت‌اله، (۱۴۰۵). حق دادرسی عادلانه بدون تأخیر ناروا و چالش جبران خسارت ناشی از آن در محاکم کیفری بین‌المللی. آموزه‌های حقوق کیفری،



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

مفهوم «مدت زمان معقول» به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین دادرسی عادلانه، به بازه زمانی متناسب و ضروری برای رسیدگی به یک دعوا اطلاق می‌شود که تجاوز از آن می‌تواند به عنوان تأخیر ناروا تلقی گردد. این مفهوم، علی‌رغم شناسایی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، فاقد معیار عددی ثابت بوده و تعیین آن در عمل به عواملی نظیر پیچیدگی پرونده، رفتار طرفین و عملکرد مراجع قضایی وابسته است. در نظام حقوقی ایران نیز، هرچند این مفهوم به صورت صریح تعریف نشده، اما در قالب اصولی همچون تسریع در رسیدگی، منع اطاله دادرسی و رعایت حقوق متهم مورد پذیرش قرار گرفته است. در سطح حقوق کیفری بین‌المللی نیز، با وجود تأکید بر کارآمدی و تسریع در رسیدگی، معیار مشخص و یکسانی برای تعیین مدت معقول ارائه نشده است (-International Criminal Court Launches Strategic plans for 2023-2025). حق بر دادرسی بدون تأخیر مستلزم رعایت سرعت لازم و بدون تأخیر نامعقول در رسیدگی است. تفکیک میان «مدت زمان معقول» و «تأخیر ناروا» برای تحلیل صحیح دادرسی عادلانه ضروری است. مدت زمان معقول، به عنوان یک استاندارد حقوقی مثبت، بیانگر بازه زمانی متعارف و قابل توجیه برای رسیدگی به یک دعوا است که با توجه به شرایط هر پرونده، از جمله پیچیدگی موضوع، رفتار طرفین و نحوه عملکرد مراجع قضایی، تعیین می‌گردد.^۱ این مفهوم ماهیتی انعطاف پذیر داشته و به عنوان معیار سنجش مشروعیت زمانی فرآیند دادرسی عمل می‌کند. در مقابل، تأخیر ناروا، یک وضعیت نقض، محسوب می‌شود که در نتیجه تجاوز از این استاندارد شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، تأخیر ناروا، زمانی محقق می‌شود که مدت رسیدگی از حدود معقول و قابل توجیه، فراتر رود و این امر قابل انتساب به عملکرد مراجع رسیدگی کننده باشد. از این رو، رابطه میان این دو مفهوم، رابطه‌ای تبعی و ترتیبی است؛ بدین معنا که ابتدا باید معیار «مدت معقول» احراز شود تا امکان تشخیص «تأخیر ناروا» فراهم گردد. این تمایز در رویه قضایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال؛ در پرونده «Kudla v. Poland, 2000/96/30210» دیوان اروپایی حقوق بشر، ضمن شناسایی حق بر رسیدگی در مدت معقول، نقض این حق را مستلزم پیش بینی سازوکار جبرانی موثر دانسته است؛ امری که نشان می‌دهد «تأخیر ناروا» نه یک مفهوم مستقل، بلکه نتیجه نقض استاندارد «مدت معقول» است. بر این اساس، در تحلیل دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نیز، عدم تفکیک این دو مفهوم می‌تواند به خلط میان «معیار ارزیابی» و «وضعیت نقض» منجر شده و دقت تحلیل حقوقی را کاهش دهد (حبیبی، ۱۴۰۴، ص ۴).

مسئله‌ای که از حق دادرسی عادلانه بدون تأخیر ناروا مهم‌تر است حق ثانویه‌ای است که در پی تحمیل تأخیر ناروا به وجود می‌آید و آن حق جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا است. نظر به اینکه حق بر رسیدگی بدون تأخیر ناروا و جبران خسارت‌های ناشی از آن در جریان دادرسی، در حقوق امروز دارای کلیتی انکار ناپذیر است و این کلیت از حیث مراتب و درجات متفاوت است. در تحقیق حاضر سعی در بررسی این حق با اشاره به متهمان دیوان‌های کیفری بین‌المللی

^۱ . در تمامی اسناد بین‌المللی بالاخص اسناد منطقه‌ای به مهلت معقول اشاره شده است، اما به ضابطه مشخصی برای تعیین این مهلت اشاره نشده است لذا به نظر می‌رسد هدف از تصویب این اسناد و اشاره به این حق در قوانین داخلی، به رسمیت شناختن این حق است و ضابطه تعیین مهلت و موجه بودن این مدت به نوعی به مقام رسیدگی کننده واگذار شده که این امر می‌تواند به صدور آراء متهافت بینجامد.

همچون "جاستین موگنزی"^۲، "پروسپر موگیرانزا"^۳ که پس از ۱۴ سال حبس از اتهام نسل کشی تبرئه شدند و یا "تئونست باگاسورا"^۴ و "جوزف کانیاباش"^۵ که هر کدام پس از سپری شدن ۱۵ و ۲۰ سال تعیین تکلیف شدند. در بعد رویه قضایی، دیوان اروپایی حقوق بشر نقش تعیین کننده‌ای در تبیین ابعاد حق جبران خسارت ناشی از دادرسی در محاکم، ایفا کرده است. این مرجع در آرای چون (Kudła v. Poland, Application no. 30210/96, European Court of Human Rights, Judgment of 26 October 2000)، حق بر رسیدگی در مدت معقول را به‌عنوان یکی از عناصر اساسی دادرسی عادلانه شناسایی کرده و بر ضرورت پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر برای جبران خسارت ناشی از تأخیر تأکید نموده است. همچنین در پرونده (Scordino v. Italy, Application no. 36813/97, European Court of Human Rights, Judgment of 29 March 2006)، معیارهای ارزیابی طول دادرسی و شیوه‌های جبران خسارت به‌صورت منسجم تبیین شده است. این دو رای که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ توسط دیوان اروپایی حقوق بشر، صادر شده‌اند، از آرای شاخص در تبیین حق رسیدگی در مدت معقول و لزوم جبران خسارت، در صورت تأخیر، به شمار می‌روند. این رویه‌ها نشان می‌دهد که حق مزبور، علاوه بر جنبه شکلی، دارای آثار ماهوی در حوزه مسئولیت و جبران خسارت نیز می‌باشد. علاوه بر این در اسناد حقوق بشری منطقه‌ای (European Convention on Human Rights (1950) به مفهوم «مدت معقول» در رسیدگی‌های کیفری اشاره شده است (حیدری، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۹). بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت‌ها را مکلف می‌سازد که هر شخص بازداشت‌شده را در اسرع وقت نزد قاضی حاضر کنند و بند ۱ ماده ۶، نیز حق رسیدگی منصفانه در مدت معقول را به‌عنوان یکی از ارکان دادرسی عادلانه شناسایی می‌کند (مطلبی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۶۳). در منشور آفریقایی حقوق بشر، (African Charter on Human and Peoples' Rights (1981) در بند ۵ بخش اول ماده ۷، حق محاکمه ظرف مهلت معقول توسط دادگاه یا دیوان صالح و مستقل را برای هر شخص به رسمیت می‌شناسد. همچنین در نظام آمریکایی نیز، (American Convention on Human Rights (1969) مصوب ۱۹۷۸، تضمین‌های مشابهی را پیش‌بینی کرده است. به موجب بندهای ۵ و ۶ ماده ۷، هر فرد بازداشت‌شده باید در اسرع وقت نزد قاضی یا مقام صالح قضایی حاضر شود و محاکمه در مهلت معقول از حقوق بنیادین وی محسوب می‌شود. همچنین بند ۱ ماده ۸ این کنوانسیون، رسیدگی با تضمینات کافی و ظرف مدت معقول توسط مرجع قضایی صالح، مستقل و بی‌طرف را برای هر شخص مقرر می‌دارد. این مقررات نشان می‌دهد که حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا، نه تنها جنبه شکلی، بلکه ماهیتی الزام‌آور و حمایتی دارد.

موضوعی که بنای تحقیق حاضر را ایجاد نموده، این است که جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا در دادرسی عادلانه در رویه دیوان و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و اسناد حقوق بشری تا چه حدی امکان‌پذیر است. وقتی ادله جرمی محرز و به وقوع جرم یقین حاصل شده است، باید فرصت و امکانات لازم به متهم داد تا براءت خود را اثبات کند ولی این فرصت باید به قدر ضرورت کوتاه باشد تا از سرعت اجرای کیفر کاسته نشود با توجه به مطالب بیان شده مساله و سئوالی که این پژوهش در صدد پاسخ به آن می‌باشد این است که اولاً حق دادرسی بدون تأخیر ناروا در کنار حق دادرسی عادلانه در محاکم کیفری بین‌المللی تا چه حدی محقق می‌شود و متعاقب نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش، در صورت وقوع

². Justin Mogenzy

³. Perosper Mogiranza

⁴. Teonest Baagasora

⁵. Joseph Kanyabashi

تاخیر ناروا در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی امکان جبران خسارات وارده چگونه ممکن است و دوم اینکه معیار تعیین مدت زمان معقول و تاخیر ناروا چه چیزی می‌تواند باشد. مطالعات این نوشته به روش توصیفی-تحلیلی و گاهی نیز از روش تجویزی برای دستیابی به هدف پژوهش بهره گرفته می‌شود. تاکنون، در این زمینه، پژوهش‌هایی توسط نویسندگان داخلی و خارجی به عمل آمده است به عنوان مثال آقایان محمود صابر و حسین ناظرین در مقاله‌ای با عنوان «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر» و نیز آقای حمیدرضا میرزاجانی و همکاران در مقاله‌ای دیگر با عنوان «رعایت مدت زمان معقول فرایند کیفری از منظر بایسته‌های حقوق بشر» در زمینه‌ی حق بر دادرسی در مهلت معقول، پژوهش‌هایی به عمل آورده‌اند که در موضوع دادرسی بدون تاخیر ناروا ارزشمند هستند اما به موضوع امکان جبران خسارت ناشی از تاخیر ناروا پرداخته نشده است. نویسندگان خارجی نیز، اثرات پژوهشی در قالب کتاب و مقاله در رابطه با موضوع تاخیر نامعقول و یا جبران خسارت‌های ناشی از آن از زوایای پرداخته‌اند به عنوان مثال؛ "ویلیام شابس"⁶ در مقاله‌ای با عنوان «The International criminal court» به کاستی‌های دیوان کیفری بین‌المللی و "کای آمبوس"⁷ در کتاب «Treatise on international criminal law» به ظرفیت‌های رویه دیوان کیفری بین‌المللی جهت اصلاح روند رسیدگی پرداخته‌اند. لذا، برای اولین بار، شکاف میان شناسایی حق دادرسی بدون تأخیر ناروا و فقدان سازوکار جبران خسارت در محاکم کیفری بین‌المللی به صورت منسجم، تطبیقی و نهادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که بدون جبران خسارت، این حق ماهیاً ناقص است. به نظر می‌رسد ضرورت دارد به مشکل و معضل متهمانی که مدتی طولانی در انتظار محاکمه و دادرسی عادلانه حقوقشان تزییع می‌گردد پرداخته شود تا شاید نتایج چنین پژوهش‌هایی موجب توجه فعالان و کنشگران در این عرصه خطیر باشد. در ابتدا نگاهی اجمالی به مفهوم دادرسی عادلانه صورت می‌گیرد و در قسمت دوم به بررسی اسناد و رویه بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

۱. حق بر دادرسی بدون تأخیر ناروا در رویه محاکم کیفری بین‌المللی

۱-۱. رویه دیوان کیفری بین‌المللی

بند ۳ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در راستای اجرای دادرسی عادلانه بدون تاخیر ناروا تنظیم شده است. اما همچون قواعد آیین دادرسی داخلی بسیاری از کشورها، زمان عددی را برای رسیدگی به اتهام متهم یا متهمین معین نکرده است. مفهوم تاخیر ناروا و رسیدگی در مدت معقول نیز همچون مفهوم مبنای معقول برای رسیدگی و تحقیقات مقدماتی در دیوان کیفری بین‌المللی در هنگام وقوع جنایات تحت صلاحیت دیوان، جنبه کیفی داشته و در فواید دیوان دارای مشخصه خاصی نمی‌باشد لذا به ناچار مفهوم این معیار را باید در رویه دیوان و تصمیمات قضات جستجو کرد. از طرفی بر اساس ماده ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون ژنو (۱۹۶۹) در خصوص حقوق معاهدات بایستی به معنای عرفی مفاهیم و نیز هدف و مفاد اساسنامه رم و همچنین ماده ۳(۲۱) این اساسنامه، تفسیر مواد، بایستی بر اساس و همسو و هماهنگ با حقوق بشر شناخته شده‌ی بین‌المللی باشد. از آنجا که حق رسیدگی در مدت زمان معقول و جبران خسارت ناشی از نادیده گرفتن این حق انعکاس یافته حقوق بشری است لذا به طور واضح اساسنامه رم ظرفیت توجه به این مساله را در درون خود دارد (خالقی و ساعدی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۸). گرچه در ماده ۶۸ اساسنامه رم، به حق بزه دیده برای درخواست جبران خسارت توجه شده و بزه دیدگان می‌توانند چه از طریق شخصی یا نماینده‌ی خود خواستار جبران خسارت شوند اما در خصوص جبران خسارت

⁶ . Schabas, William

⁷ . Ambos, Kai

ناشی از تأخیر ناروا در رسیدگی سکوت نموده است (رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۲). دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون به این سوال که آیا حق محاکمه بدون تأخیر ناروا در پرونده خاصی نقض گردیده است یا خیر پاسخ روشنی نداده است همچنین در موضوع جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا نیز صحبتی به میان نیاورده است و اینکه؛ تأخیرها منافع و حمایت عمومی و همکاری با دیوان را کاهش می‌دهند و بدون حمایت و همکاری اعضاء، دیوان با مشکلاتی برای تصمیمات، قرارها و اجرای آنها مواجه می‌شود. با این حال، شعبه تجدید نظر دیوان مقرر کرده است، که تمام حقوق دفاع باید به گونه‌ای اعمال شود که اهداف یک محاکمه عادلانه را از بین نبرد که شامل زمان معقولی است که رسیدگی در آن باید تکمیل شود (Prosecutor v. Bemba (ICC-01/05-01/08-307), 4 December 2008, 15). در مواردی حتی درخواست دادستان برای اصلاح کیفرخواست از آنجایی که این امر موجب تأخیر نامناسب خواهد شد، رد گردید (Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo (ICC/1/04-01/07-3319-2012)).

این در حالی است که دقیقاً مشخص نیست مدت زمان معقول در دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس چه چیزی تعیین می‌شود به نظر می‌رسد این امر تنها بر اساس نظر و سلايق دادستان و قضات دیوان و به صورت نسبی، بر مبنای پیچیدگی پرونده، رفتار طرفین و میزان کارآمدی دیوان تعیین می‌گردد. در پرونده "موگیرانزا" قاضی "کریستین ون دین وینگارت" به عنوان، یکی از قضات دیوان اعلام می‌نماید که دوباره تشریح کردن حقایق اتهامی منجر به تأخیر ناروا می‌شود. او استدلال می‌کند، که یک محاکمه درست در مورد اتهام جدید "مستلزم تحقیقات اضافی طولانی" در یک نقطه زمانی که در آن محاکمه باید به پایان برسد، می‌باشد. او ملاک توسعه یافته حقوق بین‌الملل بشر را برای حمایت از نتیجه‌گیری خود بکار می‌برد (Dissenting Opinion of Judge Christine van den Wyngaert, Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo (ICC-01/04-01/07-3319-TENG/FRA), 21 November 2012, 49). به هر حال تاکنون به این سؤال که آیا حق داشتن محاکمه بدون تأخیر ناروا در دیوان، نقض گردیده است یا خیر یا اگر نقض گردد چگونه خسارت وارده جبران گردد، پاسخ داده نشده است.^۸

متوسط زمان رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون حد میانی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی است. تا به امروز، دیوان کیفری چندین پرونده‌ای که مورد رسیدگی قرار داده است، که مثلاً چهار و نیم سال، شش سال و شش و نیم سال برای "نگودجولو"، "لوبانگا"، "کاتانگا" به طول انجامید که تجدیدنظرخواهی در پرونده "کاتانگا" دو و نیم سال بطول انجامید. لیکن باید تسریع کرد که این رسیدگی‌ها در خصوص مدت زمان رسیدگی پیشرفتی نسبت به قبل نداشته است.^۹ گرچه نهاد نوپای دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون به موضوع حق بر رسیدگی در زمان معقول به طور مستقل نپرداخته است اما رویه قضایی دیوان کیفری، به عنوان منبع غیر مستقیم حقوقی، برای خود جایگاه قاعده سازی در زمینه جرائم و روند مجازات‌ها قائل است و می‌تواند نکات مبهم قواعد کیفری را تبیین کند و با عینی سازی قانون و قاعده، موجب پویایی حقوق شود. تأثیر این منبع در حوزه بین‌المللی، می‌تواند جدی تر از تأثیر قانونگذاری در حوزه ملی در دولت‌ها باشد (مومنی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۲).

۱-۲. رویه سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

^۸. Zeegers, p: 345

^۹. Ibid.

در رویه دادگاه های کیفری بین المللی عوامل موثر در رفتاری که موجب تاخیر ناروا شود بسیار است لیکن می توان رفتار متهم و قضات دادگاه، پیچیدگی پرونده، عناصر ساختاری و فیزیکی سیستم قضایی را از علل عمده تاخیر ناروا در محاکم کیفری بین المللی دانست (فضائلی، ۱۳۹۷، ص ۳۶). در دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، دادگاه در رای خود در مورد مدت بازداشت موقت در پرونده «Perišić» تاخیر را بر اساس استدلال کمیسیون اروپایی حقوق بشر در یک پرونده خاص که بسیار پیچیده بود، تایید کرد و در آن نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر که یک دوره بیش از پنج سال، قبل از دادرسی را به دلیل پیچیدگی پرونده و مدت زمان معقول، آن را بر خلاف حق بر دادرسی بدون تأخیر دانست (ICTY, Decision on Motion for Sanctions for Failure to Bring the Accused to Trial without Undue Delay, Prosecutor v. Perišić (IT-04-81-PT), 23 November 2007, 24-25).

۱-۲-۱. دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی

دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی تأیید کرده است که اساسنامه آن، نشان دهنده حقوق بین الملل بشر بوده که شامل حق محاکمه در یک زمان معقول می باشد. اما با این وجود، دادگاه کیفری یوگسلاوی نیز در مورد مدت زمانی رسیدگی به اتهام به متهمین پرونده اشاره ای ننموده است (ICTY, Decision on the Prosecutor's Motion to Hold Pre-Trial Motions in Abeyance, Prosecutor v. Kordić and Čerkez (IT-95-14/2-PT, 28 January 1998, 8. نکته اساسی که باید مورد اشاره قرار گیرد پاسخ به این سوال اساسی است که آیا در دادگاه هایی که در آن هیچ حق مستقلی برای محاکمه سریع یا بدون تأخیر ناروا وجود ندارد آیا تأخیر در رسیدگی باعث می شود که محاکمه اساساً ناعادلانه باشد یا خیر؟ در چنین شرایطی، دادگاه رسیدگی کننده ممکن است به طور دائم محاکمه را متوقف کند یا هیات منصفه (در برخی از سیستم های قضایی مانند کامن لا) در مورد هر موضوعی که به دلیل تأخیر به نفع متهم است، تصمیم اتخاذ نماید. تحلیل حقوقی در اینجا تعادل بین منافع متهم و جامعه است (Culp, 1991, p. 75). به طور کلی، کشورهای که محاکمه سریع را به عنوان یک محاکمه منصفانه تجزیه و تحلیل می کنند، در صدد بیان این موضوع مهم هستند که یک محاکمه اساساً ناعادلانه خواهد بود اگر در پی برگزاری یک محاکمه سریع موجب تسکین هیجان های زود گذر باشیم. حق محاکمه در مدت زمان معقول در بسیاری از قوانین اساسی و اعلامیه های حقوقی وجود دارد (Scisio, 2019, p. 502). به هر حال، در دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی به چند متهم آزادی موقت اعطا کرد اما آنها را ملزم کرد که در طول محاکمه به بازداشت باز گردند (Prosecutor v. Bizimungu, No. ICTR-99-50-T, Judgment, 30 September 2011, Annex A Procedural History, paras 5-7 (Short., J., dissenting)). دادگاه کیفری بین المللی رواندا به طور قابل توجهی کندتر از دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی عمل نمود و این یک واقعیت است که در مورد حقوق موضوعه سابق شناسایی نشده است.¹⁰

۱-۲-۲. دادگاه کیفری بین المللی رواندا

دادگاه کیفری بین المللی رواندا بر اساس حقوق رویه ای دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار داشت به منظور حمایت از مباحثه ای که حتی اگر رسیدگی توأمان منجر به تأخیر در رسیدگی شود، لزوماً منافی عدالت قضایی نمی باشد. در همان زمان، شعب تأکید کردند که پرونده های توأمان به طور کلی دادرسی های سریعتر را تضمین می کند. رسیدگی یک پرونده با چند متهم از رسیدگی به چندین پرونده به صورت جداگانه سریعتر است. نمونه ای از استدلال مطرح شده به نفع رسیدگی های

¹⁰. Zeegers, p: 337

توامان این بود، که الحاق ممکن است فشار غیر لازمی بر بازماندگان و سایر شهود که ممکن است کرارا برای شهادت احضار شوند وارد آورد. دادگاه همچنین بدون اشاره به مدت زمان معقول در رسیدگی به اتهام متهمین، گفته است که حق متهم برای محاکمه بدون تأخیر ناروا باید با توجه به حقوق دیگر متهمین در همان پرونده صورت پذیرد و همچنین از افراد متهم در پرونده‌های دیگر که ممکن است توسط پرونده‌های خاص غیر از پرونده جریانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Zeegers, 2019, p.318). به طور خاص، دادگاه کیفری برای رواندا مقرر کرد که محاکمات فردی برای همه متهمین در دادگاه به تعداد زیادی از افراد مظنون به طور قابل ملاحظه‌ای منجر به طولانی‌تر شدن می‌شود، به ویژه با توجه به این واقعیت که دادگاه کیفری برای رواندا در آن زمان به طور همزمان ۴۰ مورد متهم در دفتر ثبت شعبه داشت (که منتظر رسیدگی بودند). به این ترتیب به طور کلی سرعت دادگاه به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد، که دفتر قضایی آن را به عنوان اینکه به نفع عدالت و منفعت عمومی نبوده در نظر گرفته است. قاضی رایینسون اعلام کرده است، که دلیل اصلی طولانی شدن محاکمه در برخی پرونده‌ها تعداد زیاد شهود دادستانی است، که در چند پرونده این شهود به بیش از یک صد نفر می‌رسند بنابراین ممکن است برای شعب، تأخیر ناروا، برای ارزیابی میزان جرایم متهم و شواهد امری عادی باشد (Sluiter, 2009, p.248). شعبه دادگاه کیفری برای رواندا مقرر کرد از آنجا که دادگاه منابع انسانی و فیزیکی محدودی دارد و از نظر مالی وابسته به سازمان ملل است، لذا نمی‌تواند با سیستم حقوق داخلی رقابت کند لذا استانداردهای مشابه حقوق داخلی برای تسریع در رسیدگی را اتخاذ نمود. دادگاه کیفری برای رواندا همچنین مقرر کرد که با توجه به دستورالعمل‌های خاص و پیچیدگی ذاتی پرونده‌های دادگاه در برابر پرونده‌های حقوق داخلی قابلیت مقایسه و رقابت ندارد. به گفته دادگاه، این امر منطقی است که انتظار داشته باشیم که پرونده قضایی دادگاه بین‌المللی، در مقابل دادگاه‌های داخلی، همیشه روند رسیدگی سریع‌تری نداشته باشد (ICTR, Decision on the Defence Motion for Release, Prosecutor v. Bagosora et al (ICTR-98-41-T), 12 July 2002, 25-26). باید این نکته را نیز اضافه نمود که پرونده‌های جریانی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بسیار بیشتر از پرونده‌های کیفری داخلی پیچیده هستند، که تا حد زیادی می‌تواند وابستگی تأخیر رسیدگی را به این عامل توجیه کند. با این حال، این امر تفاوت میان محاکم داخلی و بین‌المللی را تأیید می‌کند که مهلت معقول در حقوق کیفری بین‌المللی مفهومی کیفی و نسبی است که با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده تعیین می‌شود و صرف زمان طولانی در طی جریان دادرسی برای احراز تأخیر ناروا کافی نیست بلکه باید محرز شود که این تأخیر فاقد توجیه عینی و قابل قبول بوده است.

به عنوان مثال ICTY و ICTR پرونده مربوط به "پروسپر موگورینزا"، وزیر سابق خدمات ملکی در رواندا بسیار بحث برانگیز بود (Zeegers, Krit. "The Right to Be Tried Without Undue Delay." In *International Criminal Tribunals and Human Rights Law: Adherence and Contextualization*, pp. 289-351. The Hague: TMC Asser Press, 2016) که به نقض حق محاکمه بدون تأخیر بی مورد اشاره می‌کند، قبل از صدور حکم و پس از چهار سال حبس بدون پذیرش وثیقه، "موگیرانزا" از دادگاه خواست تا کیفرخواست علیه او در خصوص مسئولیت ناشی از نسل‌کشی را رد کند (Cline, Cynthia. "Trial without undue delay: a promise unfulfilled in international criminal courts." *Braz. J. Pub. Pol'y* 8 (2018): 55). دادگاه بر این باور بود که حقوق "موگیرانزا" بر اساس قانون دادگاه باید با توجه به بعد جنایتی که او به آن متهم شده است متعادل باشد^{۱۱}. در تجدیدنظر موقت، تصمیم دادگاه لغو

^{۱۱}. Ibid.

شد. چهار پرسش برای تعیین اینکه آیا حق محاکمه بدون تأخیر بی مورد نقض شده است، مطرح گردید که عبارتند از: طول تأخیر، پیچیدگی دادرسی مانند تعداد اتهامات، تعداد متهمان، تعداد شاهدان، حجم شواهد، پیچیدگی قانون، رفتار وی در زمان بازداشت و رفتار مقامات ذریبط. در واقع هیات تجدید نظر تجزیه و تحلیل خود را با در نظر گرفتن پیچیدگی پرونده به تصویب رساند (Sadat, 2014, p.259). این هیات به طور خاص اظهارات دادگاه را مبنی بر عدم نیاز به تحقیق در مورد اقدامات دادستان تأیید کرد (Prosecutor v. Mugiraneza, No. ICTR-99-50-AR73, Decision on ber II Decision of 2 October 2003 Prosper Mugiraneza's Interlocutory Appeal from Trial Chamber Relief (27 Indictment, Demand for Speedy Trial and Appropriate Denying the Motion to Dismiss the February 2004). همان طور که نشان داده خواهد شد، بسیاری از محاکمات و تجدید نظرهای ICTR شامل متهمانی بود که در حبس پیش از محاکمه برای قرار داشتند و ظاهراً به هیچ یک از متهمان ICTR اجازه آزادی پیش از محاکمه داده نشد (Schuster and Sluiter, 2025, p.539).

۱-۳. عمده دلایل تأخیر دادرسی در محاکم بین‌المللی کیفری

در این بخش، به بیان دلایلی می‌پردازیم که بیان‌کننده دلایل طولانی شدن محاکم بین‌المللی هستند که مدت زمان محاکمه‌ها از ۱۰ روز در یک پرونده (ICTY) تا مدت زمان چند ساله متفاوت است. ساختار دادگاه‌ها متفاوت است و این می‌تواند در روند رسیدگی موثر باشد (Keshkentii, 2025, p.203). به عنوان مثال؛ تعداد قضات اساسنامه اولیه در (ICTY) ۱۱ قاضی انجام گرفت^{۱۲}. شورای امنیت بعداً شعبه سوم با سه قاضی را نیز اضافه کرد (U.N. Doc. S/RES/1116 (1998)) از طرفی (ICTR) توسط شورای امنیت در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ ایجاد گردید. (Statute of the ICTR, U.N. Doc. S/RES/994 (1994)). اساسنامه ICTR دو شعبه محاکمه را با سه قاضی ایجاد کرد. همچنین، شورای امنیت سومین اتاق محاکمه ICTR در سال ۲۰۰۲ با سه قاضی ایجاد کرد و به ICTY اجازه داده شد که گروهی از قضات موقت، حداکثر ۹ نفر در هر زمان را به خدمت بگیرد هر یک از این دادگاه‌های موقت به طور موثر فقط دو پرونده را می‌توانست مورد رسیدگی قرار دهد.

بنابراین عمده دلایل تأخیر در دو محکمه کیفری بین‌المللی عبارتند از: ۱- ساختار فیزیکی و مستحذات محاکم هر دو دادگاه ICTY و ICTR سازمان‌های موقتی بودند که در ساختمان‌هایی مستقر شدند که به عنوان دادگاه طراحی نشده بودند. ICTY در مقر یک شرکت بیمه هلندی مستقر شده بود و ICTR در مرکز کنفرانس بین‌المللی آروشا بود (ICC) لذا مجبور بودند که ایشان را به صورت انفرادی محاکمه نمایند که بعدها این مشکل بر طرف گردید (INTERNATIONAL CRIMINAL TRIBUNAL FOR THE FORMER YUGOSLAVIA. ICTY (Manual on Developed Practices, 2009. p. 73). ۲- زبان‌ها و ترجمه‌ها: هر سه دادگاه به چندین زبان کار می‌کردند. برای ICTY، انگلیسی، فرانسوی و بوسنیایی صرب-کرواسی بود. برای ICTR، انگلیسی، فرانسوی و کینیا - رواندایی بود که بر سختی کار می‌افزود (Materu, 2014, p.189). در محاکمه‌ها و جلسات، تمام شهادت‌ها و استدلال‌ها باید از زبان گوینده به دو زبان دیگر ترجمه می‌شد. ترجمه اسناد نیز یکی از دلایل مهم تأخیر بود. اغلب نسخه‌های اصلی به زبان مادری متهمان بود (U.N. Doc. A/58/667 (2004) [hereinafter OIOS report], para. 26). اولین متهم دستگیر شده

¹² Ibid..

در سال ۱۹۹۵ بازداشت شد. آخرین متهم در سال ۱۹۹۸ دستگیر شد. محاکمه در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۱ آغاز شد و شهادت در ۲ دسامبر ۲۰۰۸ پس از ۷۱۴ روز محاکمه به پایان رسید.^{۱۳}

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با تعداد ۱۸ قاضی، با توجه به زمان نسبتاً کوتاهی که دادگاه تاسیس شده نمی‌توان تعیین کرد که محاکمه پرونده‌ها در دیوان کیفری بین‌المللی چقدر طول می‌کشد. با این حال، رویه و شواهد در ICC حاوی مقرراتی است که احتمالاً محاکمه‌ها را کند می‌کند. برای مثال، در دیوان، محاکمه‌های چند متهم با هم ارجح است (ICC Rules of Procedure and Evidence, Rule 136(1)) همچنین در اساسنامه و قوانین، مقرراتی برای تجدیدنظر موقت وجود دارد که بر کندی رسیدگی می‌افزایند. تجربیات دادگاه‌های روندا و یوگسلاوی و تهیه دفترچه راهنما‌هایی جهت جلوگیری از تطویل رسیدگی در زمان کیفرخواست و کیفیت آماده نمودن پرونده‌ها قبل از صدور کیفرخواست نیز نشان داد که در پرونده‌های بزرگ و پیچیده جنایات جنگی، تحقیقات فراتر از مرحله‌ای است که در آن مواد کافی برای توجیه اتهام متهم جمع آوری شده است، ادامه خواهد یافت و در عمل نمی‌توان بدون در نظر داشتن این موارد کیفرخواست نهایی را صادر کرد علاوه بر این، انتظار تا «تکمیل شدن تحقیقات» ممکن است به معنای از دست دادن فرصت منحصر به فرد برای دستگیری متهم باشد. بنابراین، زمان تصمیم‌گیری برای صدور کیفرخواست باید بین نیاز به دستگیری متهم و تمایل به تحقیقات بیشتر تعادل ایجاد کند و در اینجا به احتیاط در درج اتهامات توصیه شده است (Guriglia, 2018, p.154). متأسفانه در این دفترچه‌های راهنما هیچ‌جا اشاره‌ای به اصلاح روند دادگاه بین‌المللی کیفری در راستای تعریفی روشن با مدت زمان معین از «مدت معقول» صورت نگرفته است و چنین به نظر می‌رسد با توجه به پیچیدگی پرونده‌ها، رفتار طرفین، عملکرد مقامات قضایی و اهمیت موضوع برای متهم، رویه دیوان بر پذیرش ضمنی همین چهار معیار، برای سنجش معقول بودن مدت زمان دادرسی باشد. برای مثال دیوان کیفری در پرونده «لوبانگا» شعبه بدوی با وجود طولانی بودن فرآیند رسیدگی با توجه به پیچیدگی گسترده پرونده حجم بالای ادله و ضرورت رعایت حقوق دفاعی متهم تأخیر را فی نفسه ناقض دادرسی عادلانه تلقی نکرد به همین ترتیب، در پرونده دیوان به نقش رفتار طرفین و چالش‌های اجرایی در ارزیابی مدت رسیدگی توجه نشان داد (Jorgensen, 2025, p.173).

۲. جبران خسارات ناشی از اطاله دادرسی و حق متهم در اسناد بین‌المللی

با وجود شناسایی گسترده حق رسیدگی در مهلت معقول، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به طور صریح و مشخص حق جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا را برای متهمان پیش‌بینی نشده است اما در اسناد منطقه‌ای حقوق بشری، به حق جبران خسارت تأکید شده است. به نظر می‌رسد حتی با وجود سکوت برخی از اسناد بین‌المللی نیز، از نتیجه‌ی تفسیر غایی و هدف‌محور مقررات مربوط به دادرسی عادلانه می‌توان استنباط کرد که حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا، بدون تضمین جبران خسارت، در صورت نقض، فاقد کارآمدی واقعی است. به بیان دیگر، حق بدون «طریق قانونی»^{۱۴} مؤثر، صرفاً یک حق اعلامی باقی می‌ماند. مبنای نهاد جبران خسارت، بر دلایل منطقی و پذیرفته‌شده‌ای همچون **عدالت ترمیمی** استوار است (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۳، ص. ۸)؛ رویکردی که هدف آن، بازگرداندن تعادل از دست‌رفته و جبران زیان‌های مادی

¹³ .Ibid.

¹⁴ . Remedy

و معنوی وارد شده به فرد متضرر است. از این منظر، اطلاع دادرسی و تأخیر ناروا که به تضييع حقوق متهم می‌انجامد، نمی‌تواند خارج از شمول نهاد جبران خسارت قرار گیرد. بر این اساس، امکان اقامه دعوی و مطالبه جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا در محاکم بین‌المللی، نه تنها قابل تصور، بلکه از منظر حقوق بشری امری ضروری است. هیچ استدلالی، اعم از ملاحظات نهادی یا استقلال قضایی، نمی‌تواند به طور مطلق موجب سلب این حق از افراد شود. (Marty and Spencer, 2002, p.199).

از آنجا که مبنای نهاد جبران خسارت، دلایل منطقی پذیرفته شده‌ای چون «عدالت ترمیمی»¹⁵ است تا حق طرف زیان دیده را جبران کند بنابراین امکان اقامه دعوا و درخواست جبران خسارت در تأخیر ناروا و تضييع حقوق متهمین در محاکم بین‌المللی وجود دارد و با هیچ استدلالی نمی‌توان این حق را از افراد سلب نمود. عدالت ترمیمی نمونه‌ای شفاف و گویا از دگرگونی در پاسخ‌های کیفری است؛ رویکردی که برخلاف تمرکز مطلق بر بزهکار بر بزه دیده و جامعه نیز معطوف است گرچه در اساسنامه رم به بایسته‌های عدالت ترمیمی اشاره‌ای نشده است (کیانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۲۷۹). دیوان بین‌المللی دادگستری اما؛ در قضایای مختلفی با موضوع دعاوی متفاوت که در نهایت به مساله جبران خسارت بر می‌گردد این موضوع را مورد توجه قرار داده است به عنوان مثال دیوان در قضیه لاگراندا (ICJ Rep., 2001, p 485, para. 48) در سال ۲۰۰۱ اعلام کرد: «هنگامی که صلاحیت نسبت به یک اختلاف برای دادگاهی وجود دارد هیچ مبنای صلاحیتی دیگری برای ارزیابی موضوع جبران خسارت آن عمل نیاز نیست». دیوان همچنین در سال ۲۰۲۲ در قضیه میان کنگو و اوگاندا در خصوص جبران خسارت در حقوق بین‌الملل رای کاملی را ارائه کرد. گرچه آراء دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص جبران خسارت توسط دولت‌ها و مبنای آن مسئولیت بین‌المللی آنها است اما موضوع جبران خسارت به دلیل اینکه به طور کلی، برگرفته از نهاد مسئولیت بین‌المللی و حقی انکار ناپذیر است (کریمی، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۹) که می‌توان استدلال‌های مطرح شده در این آراء را مبنای جبران خسارت تأخیر ناروا در محاکم کیفری بین‌المللی نیز قرارداد زیرا مبنای جبران خسارت در تمام موارد یکی است.

در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) نیز بر اساس ماده ۶۸ و ماده ۷۹ اساسنامه‌ی دیوان، جبران خسارت و تشکیل صندوقی برای حمایت از قربانیان ناشی از جرائم موضوع صلاحیت دیوان در نظر گرفته شده است همچنان که در برنامه استراتژیک سال ۲۰۲۳-۲۰۲۵ نیز موضوع جبران خسارت به قربانیان چند پرونده از جمله پرونده «لبانگا» و «کاتانگا» در جمهوری کنگو و پرونده‌ی «المهدی» در کشور مالی، مورد تصویب دیوان قرار گرفت. با توجه به تصمیمی که در این برنامه اتخاذ شد ادامه روند جبران خسارت بر اساس منافع از دست رفته قربانیان طی هر دوره رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی به انجام می‌رسد (International Criminal Court Launches Strategic Plans for 2023-2025). با تفسیر موسع از موضوع و هدف اجرای این برنامه توسط دیوان، می‌توان موضوع جبران خسارت ناشی از اطلاع دادرسی را بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برنامه ریزی نمود یا اینکه با استناد غیر مستقیم از طریق اصول دادرسی عادلانه، تأخیر نامعقول را نقض ماده ۶۷ تلقی نمود و برای آن جبران خسارت لحاظ نمود اما مشکل در جایی است که اساسنامه‌ی دیوان، سازوکار جبران مالی مشخصی برای این نقض پیش بینی نکرده است. برخلاف نظام‌های حقوق بشری که نقض

¹⁵ . Rosorative justice

مهلت معقول، منجر به پرداخت غرامت می‌شود در دیوان کیفری بین‌المللی نقض مهلت معقول، تاکنون تنها منجر به تسریع در رسیدگی یا تأثیر در ارزیابی دادرسی منصفانه می‌شود نه جبران مالی به طور مستقیم (Salebaigi-Tse, 2025, p.7). از طرف دیگر، فرض تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی بر اجرای عدالت است و حوزه شمول آن نیز متهم، بزه دیده و محکوم است و از آنجا که، ماحصل هر نهاد، مجموعه‌ای از قواعد حقوقی بوده است که خاص آن نهاد است و برای تحقق «فکر اساسی» که علت وجودی نهاد است نظم و انضباط می‌یابد لذا معاهده رم ۱۹۹۸ به عنوان سند تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی را نیز نمی‌توان از این قاعده مستثنی نبوده و معاهده رم به عدالت فراتر از مرزها اشاره داشته و امکان عدالت جهانی را به مفهوم واقعی نشان می‌دهد (پشمی و نژندی منش، ۱۴۰۱، ص. ۹۳). بنابراین دیوان نمی‌تواند بدون توجه به حق دادرسی در زمان معقول و یا جبران خسارت در صورت نقض این حق، اجرای عدالت را به نحو مطلوب محقق نماید.

۱-۲. چالش‌های جبران خسارت ناشی از نقض حق دادرسی عادلانه بدون تأخیر ناروا

نقض حق دادرسی عادلانه بدون تأخیر ناروا در محاکم کیفری بین‌المللی، صرفاً به معنای خدشه‌دار شدن یک تضمین شکلی نیست، بلکه پیامدهای مادی و معنوی قابل توجهی برای اشخاص ذی‌نفع، اعم از متهمان و بزه‌دیدگان، به همراه دارد. با این حال، جبران خسارت ناشی از چنین نقضی در سطح بین‌المللی با چالش‌های متعدد حقوقی، نهادی و عملی مواجه است که موجب تضعیف کارآمدی این حق بنیادین می‌شود.

یکی از اساسی‌ترین چالش‌های جبران خسارت ناشی از نقض حق دادرسی بدون تأخیر ناروا، فقدان پیش‌بینی صریح و نظام‌مند سازوکار جبران خسارت در اسناد تاسیس‌کننده محاکم کیفری بین‌المللی است. در حالی که این حق به عنوان یکی از عناصر بنیادین دادرسی عادلانه شناسایی شده است، مقررات مربوط به پیامدهای نقض آن، به ویژه از حیث جبران خسارت، غالباً کلی، مبهم یا سکوت‌آمیز باقی مانده‌اند (Schabas, 2011, p.220). در نتیجه، قربانیان نقض این حق ناگزیر به اتکا بر تفسیرهای محدود قضایی یا سازوکارهای غیرمستقیم می‌شوند که نه از انسجام حقوقی کافی برخوردارند و نه تضمین‌کننده جبران مؤثر خسارت هستند. این وضعیت باعث می‌شود شناسایی حق، بدون تضمین اجرای مؤثر آن، به امری صرفاً اعلامی تقلیل یابد. چالش مهم دیگر، ابهام در تعیین مسئولیت نهاد قضایی بین‌المللی در قبال نقض حق دادرسی بدون تأخیر ناروا است. برخلاف نظام‌های حقوق داخلی که اصل مسئولیت دولت در قبال عملکرد قوه قضاییه به طور نسبی پذیرفته شده است، در سطح بین‌المللی، شناسایی مسئولیت نهاد قضایی مستقل با موانع نظری و عملی جدی مواجه است (Cassese, 2011, p.118). این ابهام به ویژه از آنجا تشدید می‌شود که محاکم کیفری بین‌المللی نه دولت محسوب می‌شوند و نه به سادگی مشمول قواعد سنتی مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها قرار می‌گیرند. در نتیجه، تعیین مرجع مسئول برای جبران خسارت و نیز مبنای حقوقی این مسئولیت، همچنان محل اختلاف و عدم قطعیت باقی مانده است. از دیگر چالش‌ها در این زمینه علل ساختاری در خود دیوان کیفری بین‌المللی است وجود شعبه پیش دادرسی به عنوان شعبه مقدماتی دیوان و همچنین مراحل سه‌گانه آیین دادرسی کیفری و تفکیک این سه مرحله شامل؛ مرحله تحقیقات مقدماتی، مرحله دادرسی مقدماتی و مرحله رسیدگی در دادگاه، زمان بر و گاهی دارای موانعی است (رحمت و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۲۹۱).

۱-۱-۲. تعارض میان استقلال قضات و پاسخگویی نهادی

استقلال قضات یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه در محاکم کیفری بین‌المللی به شمار می‌رود. از یک سو استقلال قضایی اقتضا می‌کند که قضات بدون فشار سیاسی یا اداری و صرفاً بر اساس وجدان قضایی و مقررات و قواعد حقوقی تصمیم‌گیری کنند. با این حال، همین اصل می‌تواند در عمل به مانعی در برابر پاسخگویی مؤثر نهاد قضایی در موارد نقض حق دادرسی بدون تأخیر ناروا تبدیل شود. هرگونه سازوکار جبران خسارت که مستلزم بررسی عملکرد قضات یا دادگاه باشد، ممکن است به عنوان تهدیدی برای استقلال قضایی تلقی گردد (Crawford and Brownlie, 2019, p.312). این تعارض ساختاری موجب شده است که محاکم کیفری بین‌المللی در طراحی یا اجرای سازوکارهای پاسخگویی و جبران خسارت، رویکردی محافظه‌کارانه اتخاذ کنند؛ رویکردی که در نهایت به زیان اشخاصی تمام می‌شود که از اطاله دادرسی متضرر شده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که دیوان، هنوز میان حفظ استقلال قضات و ایجاد نظام مؤثر پاسخگویی نهادی، تعادل کاملی برقرار نکرده است و نتوانسته میان دو ارزش بنیادین، یعنی «استقلال قضایی» و «پاسخگویی مؤثر در برابر نقض حقوق اشخاص» تعادل نهادی پایداری را ایجاد کند. برخی نویسندگان همچون «ویلیام شابس» و «کای آمبوس» نیز تأکید کرده‌اند که نبود سازوکار مشخص برای جبران خسارت ناشی از اطاله دادرسی، یکی از خلاءهای مهم دادرسی منصفانه در نظام دیوان کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود.

۲-۱-۲. محدودیت صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی

از دیگر چالش‌های نهادی، محدودیت ذاتی صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی در رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از نقض حقوق شکلی است. این محاکم اساساً با هدف تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی تأسیس شده‌اند و نه برای رسیدگی به مسئولیت‌های مدنی یا شبه‌مدنی ناشی از عملکرد خود. برای نمونه، در چارچوب دیوان بین‌المللی کیفری، تمرکز اصلی بر تعقیب کیفری افراد است و سازوکار مستقلی برای رسیدگی به دعاوی جبران خسارت ناشی از نقض حق دادرسی متهم یا بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است. این محدودیت صلاحیتی، امکان تحقق جبران مؤثر خسارت را به شدت کاهش می‌دهد. همچنان که در رویه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است به عنوان مثال، در پرونده (Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo) دیوان در مرحله جبران خسارت صراحتاً تأکید کرده است که اقدامات جبرانی باید معطوف به آسیب‌های مستقیم ناشی از جرائم ارتكابی باشد، نه خسارات مرتبط با فرآیند دادرسی. این رویکرد در سایر آراء نیز تداوم یافته و نشان می‌دهد که دیوان، تمایلی به گسترش دامنه جبران به حوزه‌های نقض‌های شکلی ندارد. با این حال در دکترین حقوقی تلاش‌هایی برای ارائه تفسیر موسع از اساسنامه دیوان مشاهده می‌شود. برخی نویسندگان با طرح مفهوم «بزه دیده‌گی ثانویه» استدلال می‌کنند که اطاله دادرسی می‌تواند خود منشاء آسیب مستقل برای بزه‌دیدگان باشد و از این حیث، در چارچوب ماده ۷۹ قابل جبران تلقی گردد. با این حال، این دیدگاه با دو مانع اساسی مواجه است: نخست، فقدان پذیرش در رویه قضایی دیوان؛ و دوم، عدم تصریح اساسنامه به چنین دامنه‌ای از جبران. علاوه بر این، مقایسه با نظام‌های حقوق بشری، به ویژه رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، نشان دهنده یک خلاء قابل توجه در نظام دیوان است. در آن نظام نقض حق رسیدگی در مهلت معقول به طور مستقیم می‌تواند منجر به اعطای

«رضایت عادلانه» (Just satisfaction) گردد، در حالی که در دیوان کیفری بین‌المللی چنین سازوکار جبرانی صریحی
پیش بینی نشده است»

۲-۱-۳. دشواری در اثبات و ابهام در میزان و نوع جبران خسارت

در سطح عملی، اثبات خسارت ناشی از تأخیر ناروا در دادرسی یکی از پیچیده‌ترین موانع پیش روی اشخاص متضرر
است. خسارت‌های ناشی از اطاله دادرسی غالباً ماهیتی غیرمادی دارند؛ از جمله آسیب به حیثیت، فشار روانی، یا محرومیت
طولانی مدت از آزادی. اثبات این نوع خسارات در قالب معیارهای سنتی اثبات، با دشواری‌های جدی همراه است
(Ambos, 2022, p.178). افزون بر این، تفکیک خسارت ناشی از تأخیر ناروا از خسارت‌های ذاتی فرایند دادرسی کیفری،
امری پیچیده و گاه ناممکن تلقی می‌شود؛ امری که عملاً به تضعیف امکان مطالبه جبران خسارت می‌انجامد. از طرفی
روشن نیست که دیوان، چگونه و بر اساس چه معیاری می‌تواند حکم به جبران خسارت دهد و چگونه باید جبران شود و
از طرف دیگر نویسندگان بر این باورند که دیوان، صرفاً نهاد مجری قانون نیست بلکه نهادی سیاستگذار است که درباره
مساله غرامت آزادی عمل، قابل توجهی دارد (کیانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۲۷۸).

حتی در فرض پذیرش اصل جبران خسارت، تعیین میزان و نوع مناسب جبران همچنان محل مناقشه است. جبران
خسارت می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد؛ از جبران مالی گرفته تا جبران معنوی یا شکلی، نظیر کاهش مجازات،
تسریع در رسیدگی یا اعلام رسمی نقض حق. با این حال، فقدان معیارهای شفاف و رویه قضایی منسجم در این زمینه،
موجب شده است که جبران خسارت، در صورت تحقق، اغلب پراکنده، موردی و غیرقابل پیش‌بینی باشد. چنین وضعیتی
نه تنها از بازدارندگی نقض این حق می‌کاهد، بلکه اعتماد به کارآمدی نظام عدالت کیفری بین‌المللی را نیز تضعیف
می‌کند (Nouwen, 2013, p.232). در مجموع، چالش‌های حقوقی، نهادی و عملی جبران خسارت ناشی از نقض حق
دادرسی عادلانه بدون تأخیر ناروا نشان می‌دهد که شناسایی این حق، بدون پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر جبران، نمی‌تواند
تضمین‌کننده عدالت واقعی در محاکم کیفری بین‌المللی باشد (Mbuayang, 2025, p.125).

۳. امکان سنجی تعمیم رویه دیوان بین‌المللی دادگستری

هرچند آراء (ICJ) عمدتاً ناظر بر مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض تعهدات بین‌المللی است، اما اصول کلی مطرح شده در
این آراء، قابلیت تعمیم به سایر حوزه‌ها، از جمله محاکم کیفری بین‌المللی، را دارد. دیوان در قضیه (LaGrand, 2001)
تصریح کرد که هرگاه دادگاهی صلاحیت رسیدگی به یک اختلاف را داشته باشد، نیازی به احراز مبنای صلاحیتی
جداگانه برای بررسی موضوع جبران خسارت وجود ندارد. (ICJ Rep., 2001, p.485, para. 48)

دیوان در رأی ۲۰۲۲ خود در قضیه **جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا**، تحلیل جامعی از مفهوم و
اشکال جبران خسارت در حقوق بین‌الملل ارائه کرد. اگرچه این آراء مستقیماً به جبران خسارت توسط دولت‌ها مربوط
می‌شوند، اما بر یک اصل بنیادین تأکید دارند: **جبران خسارت، پیامد طبیعی و اجتناب‌ناپذیر نقض تعهدات**

حقوقی است. از آنجا که مبنای جبران خسارت در تمامی این موارد یکسان است و مسئولیت به عنوان نهادی شناخته شده و قابل پذیرش در حقوق بین‌الملل دربردارنده جبران انواع خسارت‌ها با توجه به ماهیت آنها است به عنوان مثال خسارت‌ها اعم است از؛ خسارت مستقیم و غیرمستقیم، خسارت معنوی و تنبیهی و در امور مالی نیز تاخیر و عدم النفع است (موسوی زنوز، ۱۳۹۹، ص. ۲۵۷) لذا می‌توان استدلال‌های دیوان را به طور منطقی به حوزه جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا در محاکم کیفری بین‌المللی نیز تسری داد. در مجموع، بررسی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که اگرچه حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته شده است، اما شناسایی صریح و مؤثر حق جبران خسارت ناشی از نقض آن، همچنان با خلأهای جدی مواجه است. پر کردن این خلأ، مستلزم تفسیر موسع حقوق بشری، بهره‌گیری از اصول عدالت ترمیمی و الهام از رویه قضایی بین‌المللی در حوزه جبران خسارت است.

نتیجه‌گیری

حق بر دادرسی بدون تأخیر ناروا یکی از استانداردهایی دادرسی (دادرسی عادلانه) است، که رعایت آن ضامن سلامت دادرسی و اطمینان از اجرای عدالت در حل و فصل اختلافات است در دهه‌های اخیر که طرح مباحث حقوق بشری و لزوم رعایت آن بر تمام شاخه‌های حقوقی از جمله آیین دادرسی کیفری سایه افکننده است، شاهد آن هستیم که نظام‌های حقوقی با فراری رو به جلو از نظام تفتیشی به سوی نظام اتهامی گام بر می‌دارند، و تمام تلاش خود را معطوف به عادلانه کردن دادرسی می‌نمایند، و سعی بر آن دارند که حقوق و آزادی‌های فردی در کلیه مراحل رسیدگی کیفری مراعات شود.

حق بر دادرسی بدون تأخیر ناروا در اسناد حقوق بشری از جمله جزء ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان محاکمه بدون تاخیر غیر موجه و همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با مضمون رسیدگی در مهلت معقول و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی با ذکر عنوان مدت معقول و همچنین در بند ۳ ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. به طور کلی، جبران خسارت ناشی از تاخیر ناروا در حقوق بین‌الملل فاقد مبنای حقوقی نیست، گرچه به عنوان حقی مستقل و صریح، در تمامی نظام‌های حقوق بین‌الملل شناسایی نشده بلکه این حق عمدتاً به صورت استنباطی و تبعی از ترکیب چند مبنای هنجاری استخراج می‌شود به عنوان حقی تبعی از پیوند میان حق بر دادرسی در مدت معقول و حق برخورداری از راهکار جبرانی مؤثر در اسناد حقوق بشری و از منظر حقوق بین‌الملل عمومی نیز، اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اقتضا دارد که هر گونه نقض تعهد بین‌المللی، از جمله نقض حق دادرسی در مدت معقول، مستلزم جبران کامل خسارت باشد. بر این اساس، جبران خسارت ناشی از تاخیر ناروا در چارچوب قاعده عام «جبران» قابل توجیه است. با این حال، این مبنا در برخی نظام‌ها، به ویژه در چارچوب دیوان کیفری بین‌المللی، به دلیل فقدان تصریح هنجاری و سازوکارهای اجرایی، به طور کامل تحقق نیافته است.

در محاکم کیفری موقت بین‌المللی، همانند شعبه دادگاه کیفری برای رواندا شاهد آن هستیم که دادگاه مقرر می‌نماید از آنجا که دادگاه منابع انسانی و فیزیکی محدودی دارد و از نظر مالی وابسته به سازمان ملل است، لذا نمی‌تواند با سیستم حقوق داخلی رقابت کند لذا استانداردهای مشابه حقوق داخلی برای تسریع در رسیدگی را اتخاذ نمود و ضعف در سرعت را یک امر بدیهی دانسته که ضمن اعلام آن درصدد رفع کندی رسیدگی هستند.

دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون به این سوال که آیا حق محاکمه بدون تأخیر ناروا در پرونده خاصی نقض گردیده است یا خیر پاسخی نداده است، اینکه تاخیرها منافع و حمایت عمومی و همکاری با دیوان را کاهش می‌دهند و بدون این حمایت و همکاری دیوان با مشکلاتی برای تصمیمات، قرارها و اجرای آنها مواجه می‌شود. متوسط زمان رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون حد میانی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی است. تا به امروز، دیوان کیفری چندین پرونده‌ای را که مورد رسیدگی قرار داده است، که مثلاً چهار و نیم سال، شش سال و شش و نیم سال برای نگودجولو، لوبانگا، کاتانگا به طول انجامید که تجدیدنظرخواهی در پرونده کاتانگا دو و نیم سال بطول انجامید. لیکن باید تسریع کرد که این رسیدگی‌ها پیشرفتی نسبت به قبل نداشته است. ممکن است برای قضاوت در خصوص عملکرد دیوان در تعداد اسناد موجود زود باشد و بخصوص این حقیقت که دوره رسیدگی نمی‌تواند فقط متناسب به دیوان باشد. با این حال، در چندین پرونده رفتار دادستان و مقامات قضایی در این خصوص موثر بوده است در کل باید گفت هیچ راه حل کاملی برای جلوگیری از سلب حق محاکمه سریع وجود ندارد. راه حل‌های ممکن، گاهی خطرناک هستند؛ رد اتهام و آزادی متهم بدون محاکمه و یا ممکن است در حق متهم اجحاف صورت گیرد، مگر اینکه اتهام به حدی شدید باشد که متهم نتواند محاکمه عادلانه‌ای داشته باشد ولی در این مورد تخفیف مجازات برای یک محکوم یک راه حل عادلانه به نظر می‌رسد چرا که نمی‌توان از نظر دور داشت که اگر محاکمه سریع برگزار می‌شد، امکان برائت وجود داشت و پرداخت خسارت نقدی به کسانی که تبرئه شده‌اند احتمالاً ناکافی بوده و تعیین آن دشوار است. اعطای خسارت نقدی به متهم تبرئه شده، موضوع سایر متهمان بی‌گناهی را نیز مطرح می‌کند که به سرعت محاکمه شدند. آیا آنها غرامت حبس پیش از محاکمه خود را دریافت می‌کنند؟ در غیر این صورت، آیا افراد تبرئه شده که از حق محاکمه بدون تأخیر ناروا محروم شده‌اند، غرامت کل مدت حبس قبل از محاکمه را دریافت می‌کنند یا صرفاً برای مدت تأخیر ناروا؟ و اگر گزینه دومی اجرا شود مدت تأخیر ناروا چگونه تعیین می‌شود؟ صندوق امانی برای بزه‌دیدگان در دیوان کیفری بین‌المللی که بر اساس مواد ۶۸ و ۷۹ اساسنامه دیوان برای اجرای احکام مربوط به جبران خسارت‌های مرتبط با آسیب‌های ناشی از جرائم موضوع صلاحیت دیوان تاسیس شده است، شامل قربانیان فرآیند دادرسی نمی‌شود. از آنجا که این موضوع از نظر قواعد حقوق بین‌الملل قابل پی‌گیری است و از نظر اجماع دکترین نیز حق رسیدگی در مهلت معقول، بدون پیش‌بینی ضمانت اجرای یک حق ناقص است و از طرفی خلاء جبران خسارت ناشی از نقض حق رسیدگی در مهلت معقول در نظام دیوان کیفری بین‌المللی، نشان دهنده عدم توازن میان شناسایی حقوق شکلی و تضمین اجرای موثر آنها است لذا محتمل است که دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، برای یافتن و ایجاد راه حل تلاش کنند و شکاف میان شناسایی هنجاری حق جبران خسارت ناشی از تأخیر ناروا را با تحقق نهادی آن در عمل، به واسطه‌ی اصلاح رویه با استفاده از ظرفیت اساسنامه به انجام برسانند زیرا اصلی‌ترین مبنای تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی، اجرای عدالت در رابطه با متهم، بزه دیده و محکوم است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

مقاله هیچ کمک مالی مشخصی از نهادهای دولتی یا غیر دولتی نداشته است.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در مفهوم سازی مقاله و نگارش پیش نویس اولیه و نسخه های بعدی آن اعم از نسخه بازبینی شده، ویرایش شده و مشارکت داشته اند.

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش در نگارش و آماده سازی این مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می کنند که در نگارش این مقاله هیچ گونه تعارض منافع ندارند

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان از هر گونه جعل و سرقت علمی و هر گونه سوء رفتار پژوهشی اجتناب نموده اند

بیانیه دسترسی داده ها

هیچ داده ای در دسترس نیست

سپاسگزاری

نویسندگان، از داوران ناشناس بابت دقت نظر سازنده و مفیدشان تشکر می نمایند.

انتشارات

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۳) *عدالت ترمیمی، در؛ پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری*، انتشارات سمت
۲. فضائلی مصطفی. (۱۳۹۷) *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی*، انتشارات شهر دانش

مقالات

۳. ابوالفضل خالقی، زهرا ساعدی، (۱۳۹۷) "معیار معقول بودن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و تبیین آن از سوی شعب مقدماتی" *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۹ (۲۴۸-۲۲۵). <https://doi.org/10.22066/cilamag.2018.31889>
۴. بهزاد رضوی فرد، حسن فقیه محمدی، (۱۳۹۰) "تکامل حقوق بزه دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی" *مجله حقوق بین‌المللی*، شماره ۴۵، سال بیست و هشتم (۲۳۳-۱۹۵). <https://doi.org/10.22066/cilamag.2011.16960>
۵. بهرام پشمی، هیبت‌اله زندی منش، (۱۴۰۱) "انعکاس نظریه‌های عدالت کیفری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی" *آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره نوزدهم، شماره ۲۳ (۱۲۲-۸۹). <https://doi.org/10.30513/cld.2022.3109.1576>
۶. جواد حبیبی و سیدمحمدرضا احسان پور، (۱۴۰۴) "اطاله دادرسی در امور کیفری؛ با نظر داشت ضابطه «مدت معقول» در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر" *فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل*، دوره سوم، شماره ۱ (۸-۱). <https://doi.org/10.22091/CSIW.2021.6561.2007>
۷. حیدری، الهام، (۱۳۹۰) "مؤلفه‌های مؤثر در ارزیابی اصل زمان معقول در دادرسی کیفری بر اساس رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر" *مجله تحقیقات تطبیقی اسلام و غرب*، جلد ۸، شماره ۴ (۱۴۹-۱۸۲)
۸. رزاقی، کیانوش، (۱۳۸۹) "استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران" *مجله کانون*، شماره ۱۰۵
۹. ساراکیانی، حسن پورباقرانی، محمدحسن مالدار، (۱۴۰۴) "چالش‌های عدالت گسترده و عدلخواهی و بخشایش به منزله افق‌های تازه در دیوان کیفری بین‌المللی" *آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره ۲۱، شماره ۲۸ (۲۹۷-۲۶۹). <https://doi.org/10.30513/cld.2025.6603.2063>
۱۰. کریمی، سیامک، (۱۴۰۲) "جبران خسارات غیرمادی در حقوق بین‌الملل با تاکید بر رای دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کنگو علیه اوگاندا" *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۶۹ (۱۴۴-۱۱۷). <https://doi.org/10.22066/cilamag.2022.252562>
۱۱. مجید مطلبی، حمیدرضا میرزاجانی، قاسم قاسمی و نادر نوروزی، (۱۴۰۰) "رعایت مدت زمان معقول فرآیند کیفری از منظر بایسته‌های حقوق بشر" *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷، ۱۵۹-۱۷۴. <https://doi.org/10.22034/isj.2021.261147.1312>
۱۲. محمدرضا رحمت، صفورا مهدوی نژاد ارشلو، سیدمهدی منصوری، (۱۴۰۲) "بررسی ساختار و فرآیند رسیدگی شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی" *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*، دوره سوم، شماره ۵ (۲۹۸-۲۸۷).
۱۳. موسی موسوی زنوز، سیده فاطمه میرمجتبایی، بهشید ارفع نیا، (۱۳۹۹) "بررسی خسارت در حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل سرمایه گذاری" *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، سال ۱۳، شماره ۴۸ (۲۷۶-۲۵۵). <https://doi.org/10.22034/jccj.2024.433460.1458>
۱۴. مومنی، مهدی، (۱۳۹۵) "اصول قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی" *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۵ (۱۸۹-۱۵۵). <https://doi.org/10.22066/cilamag.2016.23528>

16. Ambos, K. (2022). *Treatise on International Criminal Law: Volume II: The Crimes and Sentencing*. Oxford University Press.
17. Abtahi, H., Boas, G., & May, R. (Eds.). (2006). *The dynamics of international criminal justice: essays in honour of Sir Richard May* (Vol. 10). Martinus Nijhoff Publishers.
18. Delmas-Marty, M., & Spencer, J. R. (Eds.). (2002). *European criminal procedures* (Vol. 25). Cambridge University Press.
19. Schabas, W. A. (2011). *An introduction to the international criminal court*. Cambridge University Press.
20. Culp Jr, J. M. (1991). Toward a Black legal scholarship: Race and original understandings. *Duke LJ*, 39.
21. Crawford, J., & Brownlie, I. (2019). *Brownlie's principles of public international law*. Oxford University Press.
22. Guariglia, F. (2018). 'Admission' v. 'Submission' of Evidence at the International Criminal Court: Lost in Translation?. *Journal of International Criminal Justice*, 16(2), 315-339.
23. Jorgensen, N. H. (2025). The maxim 'justice delayed is justice denied' as a masterplot in international criminal justice. In *Law, Narrative and Masterplot* (pp. 160-183). Routledge.
24. Schuster, A., & Sluiter, G. (2025). Provisional Release at International Criminal Courts and Tribunals-Lessons Learned?. *FIU L. Rev.*, 19, 539.
25. Cline, C. (2018). Trial without undue delay: a promise unfulfilled in international criminal courts. *Braz. J. Pub. Pol'y*, 8, 55.
26. Sluiter, G. (2009). Atrocity crimes litigation: some human rights concerns occasioned by selected 2009 case law. *Nw. UJ Int'l Hum. Rts.*, 8, 248.
27. Salebaigi-Tse, S. (2025). Justic Delayed: Unpacking Inefficiency in the International Criminal Court. *Journal of International Criminal Law*. Vol.5-Issue2.
28. Nouwen, S. M. (2013). *Complementarity in the Line of Fire: the catalysing effect of the International Criminal Court in Uganda and Sudan*. Cambridge University Press.
29. Sciso, E. (2019). Italy: The Italian Constitutional Court and the Impact of the European Convention of Human Rights in Italy. In *Judging International Human Rights: Courts of General Jurisdiction as Human Rights Courts* (pp. 497-509). Cham: Springer International Publishing.
30. Zeegers, K. (2016). *International criminal tribunals and human rights law*. TMC Asser Press.
31. Materu, S. F. (2014). The Kenya Situation Before the ICC. In *The Post-Election Violence in Kenya: Domestic and International Legal Responses* (pp. 177-263). The Hague: TMC Asser Press.
32. Mbuayang, C. (2025). Ensuring a Fair Trial at the Extraordinary African Chambers. Available at SSRN 5352328.
33. Keshkentii, D. (2025). What Lies Behind the Arrest Warrants of the International Criminal Court?. Available at SSRN 5181073.
34. Uropean Convention on Human Rights, 1950
35. American Convention on Human Rights, 1969
36. African Charter on Human and Peoples' Rights, 1981
37. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966
38. International Criminal Court Launches Strategic Plans for 2023-2025
39. Prosecutor v. Bemba (ICC-01/05-01/08-307), 4 December 2008, 15.
40. Prosecutor v. Mugiraneza, No. ICTR-99-50-AR73, Decision on Prosper Mugiraneza's Interlocutory Appeal from Trial Chamber II Decision of 2 October 2003 Denying the Motion to Dismiss the Indictment, Demand for Speedy
41. International Criminal Tribunal For The Former Yugoslavia. ICTY Manual on Developed Practices, 2009. p. 73
42. Prosecutor v. Bizimungu, No. ICTR-99-50-I, Decision on Prosper Mugiraneza's Motion to Dismiss the Indictment
43. Kudła v. Poland, Application no. 30210/96, European Court of Human Rights, Judgment of 26 October 2006.
44. Scordino v. Italy, Application no. 36813/97, European Court of Human Rights, Judgment of 29 March 2006.
45. former Yugoslavia, I. C. T. (2023). *Judicial Reports/Recueils Judiciaires 2000 Volume 4: Part 2* (Vol. 4). Martinus Nijhoff Publishers.

Resources

1. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (2024) *Restorative Justice*, in; Pradel, Jean, *History of Criminal Thought*, Samt Publications. [In Persian]
2. Fazaeli Mustafa. (2018) *Fair Trial in International Criminal Trials*, Shahr Danesh Publications. [In Persian]
3. Abolfazl Khaleghi, Zahra Saedi, (2018) "The criterion of reasonableness in the Statute of the International Criminal Court and its explanation by the Pre-Trial Chambers," *International Legal Journal*, No. 59(225-248). [In Persian]

4. Behzad Razavifard, Hassan Faghih Mohammadi, (2011) "Evolution of Victims' Rights from the Perspective of the Provisions of the International Criminal Court" *Journal of International Law*, No. 45, Year 28 (195-233). [In Persian]
5. Bahram Pashmi, Heybat-ol-Nezhandi Manesh, (2022) "Reflection of Criminal Justice Theories in the Statute of the International Criminal Court" *Criminal Law Doctrines*, 19th Volume, No. 23 (122-89). [In Persian]
6. Javad Habibi and Seyyed Mohammad Reza Ehsanpour, (2026) "Delay of Proceedings in Criminal Matters; Considering the "Reasonable Time" Standard in the European Convention on Human Rights," *Quarterly Journal of International Criminal Law*, Volume 3, No. 1(8-1). [In Persian]
7. Heidari, Elham, (2021) "Effective Components in Evaluating the Principle of Reasonable Time in Criminal Proceedings According to the European Court of Human Rights" *Journal of Comparative Research on Islam and the West*, Volume 8, Number 4 (149-182). [In Persian]
8. Razzaghi, Kianoush, (2010) "Procedural Standards in International Documents and the Iranian Judicial System", *Kanoon Magazine*, No. 105. [In Persian]
9. Sarakiani, Hassan Pourbafarani, Mohammad Hassan Maldar, (2026) "Challenges of Justice; Apology and Forgiveness as New Horizons in the International Criminal Court" *Criminal Law Studies*, Volume 21, Number 28 (269-297). [In Persian]
10. Karimi, Siamak, (2023) "Compensation for non-pecuniary damages in international law with emphasis on the decision of the International Court of Justice in the case of Congo v. Uganda", *International Law Journal*, No. 69 (117-144). [In Persian]
11. Majid Motlabi, Hamidreza Mirzajani, Ghasem Ghasemi and Nader Norouzi, (2021) "Respecting the reasonable duration of the criminal process from the perspective of human rights requirements," *Quarterly Journal of International Studies*, 17 (4), 159-174. [In Persian]
12. Mohammad Reza Rahmat, Safoora Mahdavi-Nejad Arshloo, Seyyed Mehdi Mansouri, (2023) "Investigating the Structure and Proceedings of the Pre-Trial Chamber of the International Criminal Court", *Quarterly Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, Volume 3, No. 5 (287-298). [In Persian]
13. Moussa Mousavi-Zanouz, Seydeh Fatemeh Mirmojtbaei, Behshid Arfa-nia, (2020) "Investigation of Damages in Public International Law and International Investment Law", *Quarterly Journal of Comparative Legal Research between Iran and International*, Year 13, No. 48 (255-276). [In Persian]
14. Momeni, Mehdi, (2016) "Principles of Legality of Crimes and Punishments in International Criminal Proceedings", *International Law Journal*, No. 55 (155-189). [In Persian]
15. Mahmoud Saber, "Criteria and Guarantees of Fair Trial in the Preliminary Investigation Stage, (2009)" *Comparative Law Research* (Humanities Department), vol. 13, no. 4 (63), pp. (143-175). [In Persian]